



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۷/۱۵



م. اسحاق نگارگر

دیگر از میان مسلمانان شعایر اسلامی کوچیده است!

رهی جزُ کعبه و بُتخانه می جویم که می بینم

گروهی بُت پرست اینجا گروهی خود پرست آنجا

(منسوب به حضرت مولانا)

تبصره: امسال هم طبق معمول عید را سپری کردیم و به همدیگر تبریک گفتیم اما عید آنگاه است که جنگ را بس گفته باشیم و از هموار شدن گلیم ماتم در خانه یک انسان دیگر دوری جُسته باشیم و قیاس به نفس خود از یاد ما نرود که اگر این گلیم در خانه من هموار شود آیا تحملش را دارم. این که می خوانید یادداشت من در آستانه عید پارسال است. نگارگر ۱۵ جولای ۲۰۱۶ برمنگهم



*** **

ما طبق معمول همیشه نمی دانیم که عید چه وقت برگزار می شود اما این مسأله آن قدر مهم نیست آنچه مهم است این است که از میان ما دیگر آنچه که شعایر اسلامی می خواندیم کوچیده است. همین حالا که من این سطور را می نویسم عاطفه مجروح و زخم خورده من با خانواده همان کودک سه ساله است که در آستانه حلول عید پدر، مادر و دیگر اعضای خانواده او را با رنج تلخ و فراموش ناشدنی مرگش آشنا کردند. روزهای عید روزهای شادمانی است که یک مسلمان سری در خانه دیگر برادران مسلمان خود می زند و خود را در شادمانی عید شان شریک می داند. آیا طنزی تلخ تر از این می توان تصور کرد که آگاهانه و از روی قصد در خانه یک مسلمان گلیم ماتم بگستریم و آنگاه مردم را مجبور سازیم که به خانه او بروند و بیدردانه برایش بگویند:

"برادر یا خواهر عیدت مبارک!"

آخر کدام عید مگر این گونه عید مبارکی نمک پاشیدن بر زخم مردم نیست؟ اسلام حرام بودن جنگ را در ماه های حرام پذیرفته و قتل و قتال در حریم کعبه را حرام کرده است. چرا؟ بدین دلیل که کعبه خانه خدا (ج) است و احترام خانه خدا بر هر مسلمان واجب. اینکه می گوئیم کعبه خانه خدا (ج) است تعبیری سمبولیک دارد و معنایش به هیچ وجه این نیست که آن ذاتی که در مکان نمی گنجد خویشتن را محصور به حصار کعبه ساخته است. همان طور که ما به

طور سمبولیک کعبه را خانه خدا می خوانیم مساجد را نیز که محل عبادت خدا(ج) است خانه خدا(ج) می دانیم و یکی از متبارز ترین شعایر اسلامی رعایت احترام مساجد است ولی چون این شعایر از میان ما کوچیده است و ما به کسانی بدل شده ایم که با زبان خدا خدا می گویم ولی دل های ما را زنبورهای خطر ناک نفرت و کینه جویی چنان گرفتار آماس کرده است که دیگر خدا هرگز در آن حضور ندارد. ما با زبان هی داد می زنیم که خدا با ماست ولی هرگز از خود نمی پرسیم که آیا ما هم با خدا(ج) هستیم و این دل های سخت شده از سنگ دیگر جایی برای نفس الرحمان دارد؟ به همین دلیل است که ما حتی مساجد را نیز به قتلگاه های بیگناهان بدل کرده ایم. در چیزی کمتر از چهل سال اخیر عید ها همچنان که نماز ها برای ما جنبه تشریفات پیدا کرده تشریفات شده است. حضرت شیخ شیراز برای اینکه ناتوانی انسان را در برابر مصیبت مرگ نشان بدهد گفته بود:

گوسفندی برد این گرگ مزور همه رور گوسفندان دگر خیره درو می نگرند

و ما چیزی کم چهل سال شد که خیره، خیره در چهره مرگ می نگریم و هیچ گوشه سرزمین ما از این مرگ های بی اجل خالی نیست. و این ما که از کشور بیرون شده ایم بدبختانه "شکر" ما همان شکر شبلی است که می گویند در روزگار شبلی یکی از بازارهای بغداد آتش گرفته بود و به شبلی خبر دادند که دکان او نسوخته است بی اختیار از زبان شبلی کلمه "شکر" پرید و او خود می گوید که سی سال به خاطر همین شکر توبه می کردم و از خدا تقاضای بخشایش می کردم که مصیبت دیگران را از یاد برده بودم و چون برای من مصیبت نرسیده بود شکر گفته بودم. آری سال ها شد که من دست و روی دیگران را بوسیده ام و عید را برای شان مبارک گفته ام ولی در دل به خاطر هموطنانی که گرفتار مرگ های بی اجل شده اند گریسته ام. یک بار دیگر برای رعایت همین تشریفات که رسول مقبول گفت که ماتمداران نیز باید در شادمانی مسلمانان سراسر جهان شریک شوند و عید را برای دیگران مبارکباد بگویند من هم می گویم مسلمانان سراسر جهان عید تان مبارک!

دعای تان را بدرقه راه ملت ماتمدار ما هم بکنید و برای قاتلان این مردم بیچاره از خدا توفیق بخواهید که در این روز های عید گلیم ماتم را در خانه ها هموار ننمایند. آخر خود پرستی بیشتر از این نمی شود که آدم از گستردن گلیم ماتم در خانه یک مسلمان دیگر به همین دلیل یاوه شاد شود که او مسلمان است ولی به شیوه من عبادت نمی کند. خدای بزرگ به ما توفیق نیکو کاری بدهد.

پایان

۱۵ جولای ۲۰۱۵ مطابق بیست و هفتم رمضان المبارک برمنگهم نگارگر